

# جشنواره فرهنگی و هنری ۳۱۳

## ویژه میان پرده های نمایشی کوتاه و سرود

### ازدواج – مجالس زنانه

#### پرده اول

مرد اعرابی نشسته و در حال تسبیح خداست و دوستش عبدا... وارد می شود

مرد اعرابی : سلام عمو زاده ...

حبیب : سلام علیکم خوش آمدی عبدا... با هم مصافحه می کنند

عبدا... : چه عجب ... راه گم کرده ای

حبیب : نه عمو زاده ... مشغول فراهم کردن اثاث هستم حسابی سرم شلوغه

عبدا... : خیر است عمو زاده ...

حبیب : انشاء... اگر خدا قسمت کن دخترم به خانه بخت می رود

عبدا... : خوب خدا را شکر ... انشاء... مبارک است مبارک . خوب این مرد

خوشبخت چه کسی است؟

حبیب: جعفر پسر حمدا... است

عبداء... چگونه ... دختر شما که خواستگاری نداشت

حبیب : آری همسرم از رسول خدا سوال کرد که ما برای پسرانمان به

خواستگاری می رویم برای دخترانمان چه کنیم؟

عبداء... : خوب پاسخ رحمت العالمین چه بوده است؟

حبیب : فرمودند به دختران زینت داده و به مجالس زنانه ببرید

عبداء... : و شما چه کردید...

حبیب : همسرم جمیله که خدا رحمت کند شوق زیادی پیدا کرد و دائم دخترم را

به مجالس زنانهمی برد و بالاخره بخت دخترم باز شد و مادر جعفر دختر مرا برای

پسرش پسندیده و به خواستگاری او آمد

صحنه خواستگاری

حبیب: رو به پدر داماد – خیلی خوش آمدید مشرف فرمودید

پدر داماد: بالاخره قسمت شد این دو بی مادر را به نکاح هم در آوریم

حبیب: بله خدا مادر داماد و عروس جعفر و قعده را رحمت کند...

پدر داماد : آری انشا... پسر داماد شود من هم برادر های زنم را عوض خواهم

کرد

جعفر: بابا جان مثل اینکه ما مزاحم شما بودیم؟

پدر داماد: نه پسر من سنت رسول خداست هیچ مردی نباید تنها بماند

حبیب: بله خوب است برویم سر اصل مطلب

جعفر: فقط مانده یک عاقد بیاید و کار را تمام کنیم

حبیب: این همه عجله برای چیست؟

جعفر: امر خیر است و حاجت هیچ استخاره نیست باید عجله کنیم متوجه هستید که؟

پدر داماد: آری انشا... عاقد بیاید و من هم سرو سامانی بگیرم

حبیب: برادرهای زنت را عوض کنی؟ (خنده) توصیه می شود مراسم عقد و عروسی طراحی و نوشته و اجرا شود

## پرده دوم

عبد...: خوب الحمد... مبارک است، خدا همسر مهربانت را پیامرزد البته اگر همه مردم به سخنان پیامبر خدا گوش فرا دهند بسیاری از مشکلاتشان حل خواهد شد...

خوب نگفتی برادرهای همسر جدیدت چطورند حالشان که خوب است؟

حبیب: آری آری خوبند... راستی دیروز به ملاقات یکی از اقوام رفته بودم که در حال احتضار و جان دادن بود... سوال کردم چگونه جان می سپاری؟

عبداء...: خوب خوب چه گفت:

حبیب: به آرامی گفت خیلی راحت... در گوش اش گفتم چه کار کردی که راحت جان می دهی

عبداء...: چه گفت چه گفت؟

حبیب: گفت پیامبر خدا فرموده هر کس بر من بسیار صلوات بفرستد راحت جان خواهد داد.

حبیب: آری او می گفت من بر محمد و آل محمد بسیار صلوات فرستادم... و اینک راحت جان می دهم

روای: ائمه ما همه کشتی نجات هستند مولایمان امام رضا (ع) می فرمایند ما همه کشتی نجات هستیم اما کشتی حسین (ع) سریعتر به داد غریق می رسد.

رسول خدا محمد و آلش کشتی نجات ما هستند، کشتی نجات و چراغ هدایت

روای: به راستی در مجالس زنانه چه خبر است؟ چرا برابر آمار دانشگاه

۹۰ درصد دوستی های خیابانی و تلفنی منجر به ازدواج نمی شود

روای: دیالوگ یادم رفت

صدایی از بیرون صحنه : و مابقی نیز سرانجامی جز طلاق ندارند...راوی: به راستی کدام راه به ثواب است مجالس زنانه یا دوستی خیابانی؟